٤ شنبه ۲۳ برج حوت ۱۳۰۱

مراحب المناز ومذير مساول ؛ داور نماينده دارالشو رای ملی

صفحه دوم و سوم « ۷ » صفحه خهارم « ۱ »

محل إداره : طهران خبابان علاء الدوله

ساست درخاره

المنفي البعديد مذاكرات صاح

امروز بی سبم پاریس اطلاع می

دهد که بستنها دات منقابله عنمانی سامم ا المامورين عالى متفقين نه مقيم اسلام بول ﴿ شده و رُوح آن ها باآخرين مذا كرات 🥉 أوزان منوا فقت دارد 💰 🦠 🏸 🐣 : ب اطلاعات (زویتر) روشن لراست رين دولت عنماني بشروط ديل مجاز است مدا كسرات را با متفقين الجديد

النا يحق قضا وت قو ندول جا . . . ا

الله الله مو كول كردن نصفيه ما الله أقتصادي و مدلمه موسل به بعد از : آنهاد صلح ، . ۱ - استرداد بندر (دده آغاج)

على \$ _ قبول كرون بېشنها دا نى كه

عثما فی خواهد کرد کات الدیه غرایات جنکی از طرف إونان مستني بيستيد المستناء

﴿ حِنْ مُعَاوِثُ إِنَّو لَمُولَ هَمَا __ المتولاميون ب ممكن است الفا شود ويوا قوانين عثماني مدون و الريا شبهة به مجموعه قوانين نا پلېون

أست . وملاوه إجتمال دارد فتحا مي نبز السبين عود كه موجبات المستان عالمرا

قرایم آورد منقبه مداگل دیکر قدری مشکل بنظر

مَمِياً لِلِّي أَقْتَصَا دَى وَ قَصْهِهُ مُوْمِلُ رَا مَنِي لِوَاقْتِهِ بَهُ مُجِمَعُ الفَّاقِ مَالِ رَجُوعٌ كناه عثما ني حكمت مجسع را وذيرد

المعارى كه معب الحصول است استرداد بندر (دده آغاج) - در ساحل دریای ازه - می باشد ! در این بِنَهِ أَنَّهُا يُونَانَ ذَى نَفَعَ نَبِسَتَ بِلَسَكَ بالهار این در آن کاملا علاقه مند in the second se

الله من المراي لجاد الله المبات حبا ال

این این این این اینکه استرداد صورت نکمزهم پلغار بایونان هم آواز التواهد شدم على الإنسان الإناب إلى الإناب إل

واجع به شرط جهارم ــ ما نمي " نوانبُمَ اظهار عقبده كنهم زيرا ازبهُش تهادات عثماني بي اطلاع هستيم

و أَنْ وَالْيُ دُو مُوضُوعُ اخْدُ غُرُ أَمَاتُ جُنَّكُى از بونان لسور نمبرود خبهن خبزی را بتوان به بونان آلخميل كرد فقط مي **فوان قسمتی از دیون عمومی عثمانی را** كه مَثَنَا سُبُّ بَأَ أَرَاضَيَ سَأَ بِقَ أَرَكُهَا است - و أمروز به يونان داده شده بعهده ر بو نان وا گذار کرد برا ا

بنابراین هنوز نمی نوان در موضوع صلح ــ . از روی احقیق ــ صحبت کر د

مرواراو

قبمت لك شماره لايك ماه ع شاهي ادت

به بدید ما ده میاسه

٢٥ زجب الدرجب ١٩٢١ (١٤) مادس ١٩٢٢

وجه اشتنسسراك :

۱۰۰ اوان ده قران

بعلاوه اجرت يست

این روزنامه بدون نقاضای کشبی برای کسی ارسال نمیشود

حه صنائی باید درزن خوم باشد نابتوانش زن خوب دانست کی

سَمَّى بَايِدُ كُرِدَ حِوابِ أَزْ دُو سُتُونَ بِمِتَنَّزُ نَبِأَشُدُ سُرُونَ يُرَا لِلَّهُ لِلَّهُ لِللَّهُ مرد و زن همه مهتوانند در این میابقه شرکت کنند . 💒 🔞 📆 بسه جرابی که از همه بهتر بود سه جایزه دیل نقدیم خواهد شد : حجایزه اول نے ایک جعبہ شبکار خانم کاری برای رُوی مَبْر جو ﴿ اِللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ حايزه دوم _ يك قاب مكس خانم حابزه سنم نے بك جالا كلبات شبخ

حِوابُ هَا لِا آخِر حُوتَ بِايِد برسد .

هفته آلبه نتبجه ما بقه شوهر خوب أعلان و خابزه ها لقديم خواهدشد

و مذیری مدارس عالبه و عضویت احقیق آداره معارف انتخاب مهشو ند)

٢ - جرا مخول در خدمت اداري يراىفهم نكته أول بخود كفتهم دا پېش بېنى ككرده اند .

و ایا نکته یامجهول دوم سے مالصور

از استا ما أبا قت معلمي عبار است از اصديق نامه دُوره اول متوسطه برای اعلیم در مدارس ابتدائي ــ و الصديقنا مه متوسطه برای نملیم در دوره اول متوسطه ساو درجه لبائش بزای ندریس در دوره دوم متوسطه ه

﴿ قَانُونَ إَسْتَخْدَامُ كَشُورَى حِنَّهُ مَنَّى **کوید** ک

ر درقسامت (٥) مأدة دوم مي نويسد کشوری باید دارای اصدیقنا مه سالسوم

الله ابن وصف - آیا مبتوان معلمین ابتدائي و متوسطه را از خدمت اداري محروم و فقط بمعلمين مدارس عاابه اجازه داد، داخل خدمات کثوری

مَا البُّهُ مُوافَقُهُم كُهُ دَرُ مُوقع احتباج معلمين داخل خدمت ادارى شوند وحتى مبکوئیم نباید خدمت اداری آنها دا منحصر بعد مات ممار في مود سے و اي دُو حَبِيرَ مِرْمًا مُجْهِولُ اسْتُ : ﴿ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّ

١ ـــ مقسود از عضویت لحقبقادارو معارف حبت ؟ ﴿ اللَّهُ اللَّهُ

وا منحسر ومعلمين مدارس عاليه كرده اند شاید در نظر کرفته آند دایره احتباتی در اداره معارف سے برای رسید کی به شكايات معلمين و ميجا كمه آ فها _ السبس كنند ، والى به مواد ديكر طرح بېشنهادى که مراجه کردیمدیدیم حین دایرهای

مبكنيم آقاى زنجاني أين طرح بيش نهادی را قبل از وضع قانون استخدام كتوري لهبه كرده بوده أند والاجماور مبدود قبول کرد که ــ هر کس دارای المسديقنا ما تورهاول متوسطه است بخدمت ادارى يذير فتهشود ويكمنف معلما بتدائي يا متوسطه _ كه لا اقل لخصبلات دوره اول متوسطه را مطابق همين طوح پېش نهادی نمام کردہ ہے۔ از خدمات کثوری محروم بمائد ؟

ور مقاله أمره ٤ كمنهم كه يكي

که فراو طلب خدمت رسمی در ادارات المصلان متوسطه باشد .

كه بخواهم داخل جز أبات احصائي محصول و مصرف نفت بشويم احازه مبخواهم كه حند رقم از مقدار محسول نفت را در سنوات مختلفه متذكر كرديم : در سال ١٨٦٠ مبلادي] محصول نفت دنبا عبارت بود از [٤٠٠٠٠] جلبك در ابتداى قرن حاضر از ۱۲۳ ملبون حامك لجاوز کرده و در سال ۱۹۲۱ به ۷۵۹ ملبون

ه ما در مقاله آنبه ماهبت و کمبت نَفَت رَا لَحْتُ مَطَالُعَهِ قَرَارَ خُواهِمِمُوادُ

کثوری معادن بنقل از ژوسه او مجله فرانسوی

ماسین (۱۱)

اده (۱۲۳) طرح پېشتهادی از این

(مرکاه مدیر یکی از مدارس ابتدرائی منحل شود (١) يعنى وفات باستعفا نمايد يا منفصل شود يكي از معلمين دوم همان مدرسه که البق و اسبق ازدیکران است معلم أول و مدير خواهد شد و هركاه مدير مدرسه متوسطه منحل شود يكياز معلمین دوم امام مدارس متوسطه آن ولايت كه البق و اسبق است معلم اول و المدير خواهد شد و هركاء معلم اول يكي از مدارس ما آبه منحل شو د یکی از معلمین اول مدارس عالمية المام مملكت بدءت مدیری معین خواهد شد ه)

الله الله ماده ای که مربوط بقانون استخدام نبست ! ببش ببني انفصال يا استعفأ = أعمين إشخاصي كه مبتو الدجا نشين مستخدمين متوفى شوند ـــ از حدود قانون خارج است ، قانون باید شامل كلبات معين أو مشخصي باشد . قو مجريه مكلف است نظامنا مها أي برطبق ابن كلبات مغبنه نوابب دهد ، البته در این نظام نامها ــ لمام نكالي كه لجربه و عمل پېش بېني آنها را ایجاب مېکند قېد مَي شود . ﴿ مِنْ اللَّهِ اللَّ

بن أذ لذ كر باين كه مديدران مدارس ابتدائي نبايد فقط از بين معلمين مدرسه ای انتخاب شوندکه مدیرش فوت كرده ــ يااستعفا دَادِه وَيا منفصل شده (در این موضوع رجوع کنبد بمفاله نسره ٨) _ مېكو ئېم كه ماده (١٣) مال ماده (۱۲) باید _ پس از حرح و العدیل جزو نظامنامه ای شود که برای اجرای قانون استخدام معلمين وزارت مسارف

. (از معلمین اول مدارس عالبه به مراعات لقدم المق و اسبق براى عضويت شورای معیا رف مرکشزی و ریاست أداره معارف ابإلأت معاونت أداره معارف مرکز و مفتشی اول عموم مدارس دو لتی

عصر نفت

باید منتظر بود که مذاکرات اجدید

شود . و مخصوصاً باید دید روسهه

مجه مو قعبتنی در مان اکرات بیدا خواهد

كنفرانس ژن اكر همچ نتمجهنداد قلا مبل مفرط و مطامع عظیمه دول دنبا را نسبت بحاء های نات هویدا و آشکارا أمود . شك نبست كه از سالبان دراز در سر منابع نفت کرم ارض کشمکش و الزاع در کار بوده - ولی این کشمکش ها و منازعات هر خندم كمال شدت أعقب مبشد باز عامه مردماز وجود آنها اطالاعي نداشتند آ اینك كنفرانس ژن این خدهی را بما نمود که پرده از روی اینموشوع مهم الرين مردم آشكارا كرد كه ملل متمدنه جهان ازحبت الفت آلبه خودرا باید المین کنند

المخالور موضوع أنت فقط صحبت از شرک ها و کمیانی های بزرك در مَبَانَ أَبُودُ وَلَى ابْنَ لَكُمْتُهُ هُمُمِشُهُ بِالدَّدُرِ نظر واشد كه اين شركت ها و كمياني ها عنوان و مقدمه بو دند : در عقب سر آن ها يك دُسته ملل و دُول دِنبايهان شده و كمياني ها را بتحصيل امتبازات مهمه نفت اشویق و مساعدت میکردند. حرا ؟ برای اینک ملل دور اندیش و عالم يقين دا شته ومطمئن بودند كرآينده اً آن مللی است که ذخیر آنفتش زیاد نر

مُوضُوعُ نَفْتُ هُمَازُ نَقَطُهُ نَظُرُ صُنَّعَتِّي وهم بملاحظات اقتصادى اهمبتى به كمال دارة و أز أين جهت أشتباء نكرده أيم هركاه قرن ببستم را از حالا قرن أنفت و يا عصر نفت اسم بدهيم ، زيرا سااينكه كشف اين مايع كرانبها خبلي قديمي استولی بېش از ربع بك قون نست كه استعمال آن در صنایع عمو مبت افتد و الهميت آن هرووز ببشتر المبشود

🦠 در آینجا مقصود یا ذکر اما ریخ نات نبستولی این راباید مند کر شویم که نخشمه های شعلیه ور آلشکده همای ایرانهان قدیم همین خشمه های نفت بو دند نفت فوران مبكرد و به شبهي مشتعل کر دیده مبسوخت 💎 پرید 🚜 🖽 🖟

در سال ۱۸۵۸ دو نفر دهقان قفقازی برای او لین دفعه ـ نفت راو سمله روشنا أی قرآن داده و افروخند من برس نريات

و در هما نسال بود که او لین حیاه در پان سېلوانی کنده شد و نفت از آن فواره زد نے در سور لبکہ جاء را اساسا برای جمع : آوری آ بهای : شور و کرفتن نمك حفر کرده بودند 🚑

بدوا نفت نا مدنی برای روشنائی بکار مبرفت و لی در آخر قرن کذشته شروع کردند که آنرا درسنا بع بالا اندازند . ارقسی و پېشرفت استعمال آن در صنعت با سرعت و حديث فوق العادء صورت کرفت و بها در اینموقع بدون این

چلېك رسېد.

المراتين المال أزان ـ مهندس

قانون استخلاا

قرار است : ﴿ وَاللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ

الهبه خواهد کرد ، 🛫

ر حال بیردازیم بماده (۱٤) و رو

راما راجع بهعضويت شوراى معارفك انحصار بهمعلمين مدارس عالبه داده اته - بموجب قانون شورای معارف که امال از لعویب مجلس گذشت ۔ از اعضای شوری دو عضو از برین مدیران و معلمین مدارس مثوسطه ازطرف وزارت مهارف انتخاب مبدونه

كنشته ازاين عضويت شوراي معارف بك خدمت رسمي كه اوقات اندان را منتول ــ و درمقا بل عقو في در شال داشته باشد نبست ابن جوت با معقديم ک املا عبارت [عبنو بت شورای معارف] اذابن ماده حذف شود .

حال چکو نه معلمین می تو ایند داخل خدمات کشوری شوند ــ بعد خواهم مديق اعلم

وارالتورائ

خلاصة مذاكرات در چلمه بومسه شنبه ۲۷ حوت ۱۳۰۱

مجلس دوساعت بفروب در الحت رياست آقاى مؤنمن الملك لتكبلشده سورت جلسه يوم قبل قرائت و با دو فقره اصلاح لصويب شد م

بكى از نمايندكان راجع باظهارات آقای وزیر خارجه درجلمه قبل اظهار داشتند كهميج جيز بطور الحاق آزاد نبت وأينكم كفنه شده است مدارس آزاد است من این منقله را لردید میکنم

آقای و أس نوشيح دا دفد كه من از اظهارات آقای وزیر خارجه جنهن چېزى را استنباط نكردم و اتصودايشان ابن نبوده احد

آفای نصرت الدرله هم در نائهد فرمایشات آقای رئیس مواد ۱۸ و ۱۹ قانون اساسی را قرائت نمو دند آقای مخبر کمسبون بودجیه در

حند روزی بېش باقى نانده است اين

حرف هاچه نتهجه دار دــدرضمن مذا کرات

دُو أَفْرِ أَزْرُ أَمَا يَنْدُهُ كَانَ لِمُعَاضَا

كردند كه لايحه اعتمار انتخابات مطرخ

ود و حول مخالفی نداشت رابرت

ز رؤساء وزارت فوابد عامه و الجارت

لتكابل كرديد. شوابق و احلام كامــه

إغضاء و إجزاء آن اداره را الهمدنمو ده

روز كذشته كمسبؤنخا المه بأنتوسوابق

الهبهشدررا بكسمسهون مغاو نين ارسال نموادند

يُ مُساعَ تُ بِا مَا مُؤْرِينَ مَا لَهِ عَ

آذر فايجان دستور العمل داده شد كهدر

كلبه امورات البه و وصول ايصال المالبات

هاى معوقه بإمامورين ادارهمالبه مساعدت

خروج پنبه ز سر حد

بموجب راپورای که بدوات واصل

شده پس از نصمهم همئت دولت راجع

به تعرفه كـتَمْركي بيّن دوَّلتْ روس و

ابران کلمه بنبه های نجار آیوانی کهدر

خارج نموده و بروسبه حمل نموده الد

. در موضوع دعوی ملاعی عبومی

استبناف و آقای انتظام آاملك معاون

وزارت خارجه بامدير روز نام عصر حديد

ديروز محكمه محترمه جنائي بالحضور

بمذار البه – المحاد البه

عرضحال مدعى خصوصي قرا أت شد

محککمه بدعی علبه - دعوای

مدعى عموجي ومدعى خموصي كعمارت

أَرْ: لَدُمِتُ سَرَقَتُ وَ هَمَكُ شَرِفَ بُورِدُ بِهِ

آفاى انتظأم الملك استماع بسوديد

مدعى عليه ﴿ لَمُ أُو الْ أَزُّ إِفَّايَ

مدعني عدوم نمود كه در روزنامه راجع

يجهار فقره عمامات سوع آقلى أنتظام

الملك اشاره شد جه شده كه آقاى

بعجرم أدعائبه معترفيد ياخبر

451.4

های لازمه وا به نمایند منابعه این

از طرف وزارت درخله به ایالت

جُوَّابُ سُمُّوالُ آوَّايُ رَبُّهِسَ رَاحِع بِمُحَاضِرٍ. شدن خبر در ماده ۲۰ بو دجسه معارف اظهار داشتند كهخوب است باصل رايرت کمسبون اخذ رای شود چون هنوزځېر كممبون بودجه راجع به پېش نهما دات آقای وزیر معارف آههه نهشده است آقای وزیر همم با این عقیده مؤافقت نموده و در ماده ۲۵ بــه ملغ ۱۲۹۰۰ لومان اخله رای شده نصو یب

، ماده ۱۹ -- صحبه ۸۳۲۰۰ نو مان-در این ماده بعضی از آقا بان عقبده داشتند كه براي مصارف صحبه بايد مقدار زیاد اری منظور شود و بعلاوه از د کرتر های متخصص بولایات ارسال کردد

ا آقای وزیر معارف و موافقین الوضيح دادند كهاين مدينله حبلي مخارج دارد و برای انهم وسائل حفظ الصحه در امام ایالات و ولایات بایستنی نهبه اعتبار کرد واین مما کل ادریجی استو برای سال آلبه يكصدو بنجاء هزار لومان ببش ببني شدء است وا کر بطوری که مقصود آقایان أست و مبخواهند آن طور بشود بالغ بر ششصه هزار او مان ابو دجه لازم وارد ۱۰ شورد المارد المارد

📆 🤏 بكافي آبودن 🕍 كرات وخو د ماده ألخذراي شده لهوب شده المالي و ماده ۷۷ ــ مدرسه سنا بع مستظر فه ٠٠٤٤٠ نو مان 🛫 🚉 🗓 حون مخالفی نبود آخذ رای شد. لهو يب كرديد

المادم ٧٨ ـ بودجه مدارس ابتدا أي اليالات و، ولايات عضويه ، مُعْجِلْسُ شوراي ، ولمي مومومهم أومان بودجه سابق مدارس

اين يكصدو شي هزار أو مان بايت كمكي و بالأخره پساز دو ماه زحمت ومشاوره است كه خود اهالمي ولايات مبكسند و ﴿ أُودَجَ وَلَايَاتُ لَرَ لَهِبُو بِمُجَلِّسُدُوضُمَنَ بُودُجِهُ ۗ الدولت فقط همان هبجده هزار و کسری را أز بودجه معارف بولايات الخصيص دلده است و خوب است در این مورد است که از هر کج که ست باید فراهم

مبدهند و آین وجه را در لت قرارشد. است بكبرد و بمصرف معارف همان محل استرزائي شدهو ورجله اول كسبون ودند ولازم است مدرسه ناسبس كند ـــ در برساند الماند الماند المان المان المان الله المان الله المان كله المان الماند المان المان

سو المك بلور

الما الزعلات الرين اوس

کفت : آری من الما، من النها کرویکه ادر دست

﴿ وَارْمُ هُمَانَ سُرُهُ رَبِّلُمِنَ عَاسَتَ ﴿ وَقَدِّي كُومُنَ حَكُمُ

قتل او رامادر کر دمو ، خواهید دید که حکونه

مادرش بیای من می افتد و حکو نه از من طاب

عُوْ مَي كَنْد ، آن وقت ديكر همج عدري براي

العبير اسمو " مأدام الكسيس دوبرك شدن، نخو اهد

آآورات و فورا اس بشوهری قبول خواهد کرد .

آبی ، آقای او پن وضعیات از این قرار است

حالاً نو مبيخواهي راضي باش مبيخواهي نباش من انها

کاری که در باره او دمی اوانم بکنم . این است *

که به مجلس غروسی خود دعو لت کنیم . مایل هستی

خبر ؟ هنوز در انجام خبالات ناریك خو دت اصرار

هادی ۱۰۰۶ بسمار خوب تحالا که این طور است .

هر چه از "دست بر می آبد کو ناهی نکن .دام

در براه من بكستران بيكمند بهانداز ، رفقا يت

را باطراف خانه من بكمار. هر چه دات مهخواهد

یکی دیکر از نمایند کان عقبد. اشت که بایستی بودجه جزء و سورت يز خرج معارف ولايات طبع شدءو بنظر مایندکان برسد و بعلاوه یك بو دجه مكفى براي ولايات لهبدشود

در اینموقع مجلس برای آنفس العطيل و يس از نبمساعت مجددا لشكيل

کفته شد که این ضدوسی هزار او مان ا آقای داور ب وقتی که به ماده خسر ج نشده است "۔ ایس اوجه ۲۸ بودجه معارف رسیدیم ازطرف آقایان خارج نشده است و اکر مقصود این نما يندكان ايالات اظهار علاقه ماين ماده شد ـ المته ابن اظهار علاقه از طرف است كه مردم داده اند امام مخارج دوات آقایان نمایندکان ولایات بولایات خود أَوْا أَمُوهُمْ مُهِدُّهُمُنَدُّ مَيْتَهَا إِنَّ اللَّهُ كَهُ بِرَاي مصارف معارف فمو بنيئامة ضاهر شد ك خملی بجا و بموقع است ــ ما معتقد نم ا نو مانی بکعماسی و خرواری یك قران كه لمام أعاط أير أن حزء الإينفك يك مملکت و یک مات است و لی لازم است ا دریافت شده و خرج معارف مخل دو د -برای اطلاع آقابان گداغل در کسبون در این خصو ص شیکایات میختلفه زیادی بودجه عضویت داشته اند یك ناریخچه مبرسید که امنای مالیه که مامور وصول كه در ولايات حقدر الدرسة هات و نبست و بعلاوه برای کدام نقاط مدارس این امورات مدت مبخواهد و هر کار و الأزم است كه بايد ناسيس شور در آن عملي جند سال طول دارد و أينها المام با ، موقع از نمایندکان مخترم محلی بنده ایک مساعدت ها لی عملی مشهود _ و معارف و آقایا نهم نشریف آورد ندو بادر است به مارف و لایات اظهار شد در موقع آیالات و ولایاتواداره معارف بعضی نقاط کدام بکی دو ساعت صحبت کردمو نقاطی وزارت معارف پمشنها د شد ت بنده اصوب می کردم که خرج معارف بکی از مخارجی رطابت ولایات شود کرد و داد – و ای در کمرون و دجه ا آقاى ورزير اظهار داشتندكه نمام، از ننظ، نظـر ص فـه جـو ني در الصورت حساب نرسهد بخمال اين افتاديم يولها أي كه دولت خرج مبكـ د مردم [بودج معا رف نكاه كرده و بود جه | كه بك نار را معين كنهم كه در نقاط ا افتا ده بايد قبد شود حهار کروری یک بو دجه مضحکه و قابل متفرقه برود درجاها ئی که مدرسه نبست

بكن ، فعلا من مجبورم كه ارا از خانه خود بهرون

كنم " زود خارج شوا المراب الله الله الله

«دویرك عناه .كرده سر الباى را بر انداز نمود

کویا می خواست قوتوقدرت حریف را بدینجد و

«دو برك » هم خو د را برای مدافعه حاضر كرد و

در خبب شاوار بکرده و دو برك ، هم از او نقلبد

مود و رو اور خودر ااز /جبب بهرون کشهد ماه

وین با کمال خون سردی دست خود را با یك

وطی شهرینی از جببشلوار بهرون آورد و بطرف

• دوبرك المارف ، كرده كفت : يكي ازاين قر من

المرسهد : البنها حبست الألمان المراسية المراسية

حواب :داد یك نوع قرصی است که برای

آنو قت بچا بکی کلاه خو درا بر داشته در حالتی

دو برك ، از شوخی او مبهوت بو د،خو در ۱۱ز

رفع ذكامى . كه ااساعه مبتلا خواهبد شد. ساخته ا فكذاريم ،

شده و المراجع ا

and the state of t

انهم ساعت بد بن طریق کذشت ، او پن دست

أمشتها وأأركوه نمون إلالإستاني السبه بالهديم ينهاد

الوبان مدلي ساكت ماند و النبره الحبره

با صحبت درست کرد یاداشتن معلم و پول را باطلاع و زارت برساند که در رفع آنها ا شرط است و درمور ای که ما پول نداریم اقدام شود - وبرای اینکماکاملامونق چه اعترا ضروزارت مهارف واراد است... بانجام این مقصود بشویم و جود بك بدلاوه ممكن أستكه ابن نظريات را براى جنبن شخص لازم بود و ما کار برای سال آلبه بوقع امتحان كذاشت و شخص لهبه نكرده إيم نسبت باین اودجه برای سال حاضرکه

دنها معمول استكه خرج العلهمات ابتدائي المعلمين ـــ مدارس عالمي بكسمد مونق نخو اهبد شد وبایستی ازیك جا أی شروع بتمام خملکت مبرسد .

واحده ديل قرائت كرديد

مستشاران امریکائی را نادیه و پرداخت

بطهران ۱۰۰۰۰ نومان

مبرزا مرنضی خان کاظمی نا شش سال

و قتبكه ازباغ خارج مبشد ، الومو ببلي لو قف 🗼 مي شود 🖟

منتصری بعرض برسانم و بخاطر آ قایان این وجه بودند مساعدت میکردند و نمی بهاورم که در موقع عمل این میل و انوانستند بااین وجه مدارس را که یك علاقه منرط و این حرارت راجع بد، مخارج بومی بود ادا مکنند باین ملاحظه معارف ولايات عملا ابراز نشد _ دُر ادو التووزارت معارف در نظر كرفت كما بنوجه يكسال قبل وزارت معارف بنده را يأمور ﴿ رَا بِحِمَابِ دُو انْ كَذَاشْتُهُ آنُهَا لِمَاتَ وَا أنيه بو دجه مدارس كرد _ نظر باينكم وصولواين ميخارج را هم بدهد بامراعات اداره ما بدیختانه هنوز بطوری که باید این نکته که بهز نقطه همان قدر مخارج ا بنجریان محبح نما فتا ده و دوسبه های شود که عابدات دارد و اقسبم هم شده كامل درمعارف موجود نبؤد من نتواندتم است و ممكن است سورت نقسهم ولايات با مراجعه بدوسه ها درست مطلع شوم ارالقاضا کردکه برای اطلاع زمایندکان محترم : إرسال كرده - و در هرمورت كردم كه يشريف بهاورند بوزارت من المبدروارم كه اين مبل مفرطي كه عملهم وافعبت يبدأ كسند اما راجع بمهتش سبار اظهاراني شد كه نديبت ببك شخص زحمت كشهده و

سَهُ مَاهُ آخرَسَالُ وَوَوَعَ لُومَانَ

ایت أبل مطرح و چون مخا لغی

ا در کلبات نداشت بداخل شدن در شور واد و در هر يك از مواد اول و دوم ا اخذ رای شده اسویت و سیس در کلبه لابحه با ورقه اخذ رای شده با کشریت ۸۰ دای اصویت شد

قدمت دیگر این بود که در امام ر منجلی ا همان منحل مهدهد و اکر شما بخواهبد در أمام نقاظ ناسبس دار ا قرا آت کردید ا ماده واحده شد مجلس شورای کنهم و آن مرکز احت که احتاده او

> 😹 مذا کرات کافی و پیشنهاد شد که صورت ریز مخارج ایالات طبع و او زیع ود و اوضح داده شده اخذ رای شده قابل اوجه و بودجه معارف برای طبع ـ نوزيـم صورت مذكور معوق و بــه

كمسبون أرجاع شد واپرت كمسبون بودجه راجع مخارج مستشاران امريكائي مطرح وماده

ماده واحده ــ وزارت مالهــه مجاز است که بشرح دیل مبلغ جهل و هشت هزار او مان مخارج فوق العماده

- برای خریداری اثا تبه دفتر منزل آقایان مستشار هیا و کرایه منازل آنها ۲٬۰۰۰ لومان ب سـ مخارج ما فرت از قره نو

ج 🗕 يحقوق مترجمين و منشي و

ـ حقوق معاونين إداري درظرف در این موضوع قدری مذا کره با ورقه اخذ رای شده باکنر ت.۳

رای از ۷۹ ناسر نماینده کان حاضر آقای رئیس فرمودند که بطوری

سيس لأيحمه ٣٨٧٧ قران شهمريه

دارای معلومات کمال جی انصافی بود زيرا اين شخص دار أي معاوماني بوده وجديت ها أسى بروز داده است بدوت مفتش مَعين كوده اند وقتى كه ما راي أهبه بودجه معطل مانديم و از ولايات

الطاق بهرون انداخت .

كودومردى بأحد نفر ديكر بسه نعجبل از آن

باده شدند ﴿ الموين فووا اين مرد راكه عمان

ا پراسویل ، بود ، شناخت وزیر ال کفت ،

حِدًا بُ مُنشَى سلام عامِكم . كمان ممكنم اكر يك

روزی 🖟 ژوزکار مارا باهم مقا بل کند . خندان

حنا بما ای خوش نخواهد ، کدشت ، خونک می

بهنم در دستگمر کردن من زیاد ساعی هستبد اکر

امروز كارى نداشتم حتما صبر مبكردم الشما برويد

آنوقت از دنبال و دوبنرك ، رفته مبقهميدم كه

طنل دا به که سرده است ، اف وس که زیاد کار

حدارم المتعلاوه ، دو برك ، ممكن است . با للفن

كار خودش را صورت بدهد . پس خوب استوفت

خود را بهجت نلف نکسم و (ویکسوار) و

(آشهل) را هم زیاده بسر ایس در انتظار

· دو ساغت بعد در لوین در اندار کوجه (نو می)»

منظر و كبل الجلس بوده و پس از جند دقيقه حشش

صورت نرسمد - صورت مداس - که مخبر اظهار می دارد المظ اعتباردر بېش نهاد دوات بوده است و اين جا

مای مبلغ بکصد هزار نومان برای مصارف انتخابات دوره إنجم لقنبنبه بوزارت دأخله اعتبار می دهد این و پیتراند حون ميخالفي ندائمة با ورقه اخذ رای شده و با کرریت ۲۳ رای از ۷۷ أنفر نما ينده كان حاضرا لهويب شد

الله آقاي و أبس وراك معنوس السبالي که به آقای آقا سد فاعل در یکی از جرا بد مر كس داده شده خو داظهار داشتند كه قصبه به عدامه مراجعه و اقرار مشروحه که رسیده است وزارت عدلبه قضمه را العقب و سكاوف شده است که نسبتی که مایشان داده شده پود

الهمت او افترا بؤده المت المستحدد وستور فسردا وامروز ع قانون ستخدام فضات او لا ته کار دشهوی - ورايرت كمسبون بوصعه واجع بعد لبه های ولایات معین کر دید 🖫 مجلس دو ساقت ثبم لإ شبّ عا لمه

احارموي كال وثبي الوزراء روز کدشته آفای رئیس آوزراء

بواسطه كالت مزاج بدربار تمريف باورده بعض از آفایان وزراء بدربار حاضر فدند احضادو الاوقا ما - أ

روز قبل بعد از ظهر اعلبعضرت ما بونی آقای وزیر جنك را احضار رمودند فورا معزى البه بعضور اعلى خضرت لمترف حاصل المؤده مداني مشنول اصفائ أوامر ملوكانه بودند حضور در کسیون

آقای وزیر آمور خارجه روز کذشته بل از ظهر با معاون بنجاس رفته در

به ١٠ دو برك ، وتاد كه با كمال الحتباط نزديك

أبدست منوده، درب انبار وا جزويش كثود

وكانت لهما و اتباتهه شما حاضر استوعه فقط

کاری کر باقی دارید ایست که جیار جرخه بار

كنى آورده و آنا را خمل، مدليد و لي اول

« دوبرك ، اول اشهاء را وارسى كرد و

الويان طال را كرفته بها نو مو بېل خود برده

کامه این عملمات بسرعت آنجام گرفت و در

ساعت ده شب لوین همانطوری کروعده دا ده بود

ژاك ، وارما فرش السلم كرد ولى طفل بمجاره

آنندر از دوری مادر غصه خورده بود که مریض

كرديد ودو هفته طول كشهد نا حد أتش كبي

پس شبانه آنها را حرک داد وباخود به

بهبودی یافت آنوفت او بن لازم دید که مکان مادر

و پسر دا لنبس دهد

بعد او پن را به خبابان د نویی ، بود در آنجادو

نار خانم نقایدار باء ژاك ، استاده بودند

. به د ویکشورز ، سپرد .

بكو أبد به ببنم طفل كجا است ؟ ويربي

المستون خارجه متفول مذاكره راجع کنبوزارت خارج، بو دند گسیون زا. امن درمجلس

امروز دوساعت قبل از ظهر کمه بون آعرایش در مجلس شورای مای بعضویت شأهزاده عيد الحميد مبرزا مدير طرق او شوارع و منهو سرسمكي كه ازاعضاء وزارت فوابد عامه است بأحدود اعضاء كمسبون اشكبل دواهديافت ودرخصوص ﴿ راه اهن با بزیدو شاه نختی درروی رُ ابدونت

To Amend ?

رسبده است مذاكرات لازمه خواهند نمود . مع حمل جنازه

للكرافي كه از ماكو بامضاى حدث ايراني

موافق اطلاعی که بوزارت خرجه رسبده است مامورين حفظ الضحمه بين النهرين از ناريخ دهم حمل يورسط کرما ازحال جنازه های از نبکه بعتبات والها المات حمل شود مما نعت بعل خواهند

وآويد فالتراكي المالية

ایجاد راه اهن

نظرماينكم دوات روسيه اهدبت فوق آلها ده باستخراج مفادن مس و آهنو دُغَالَ سَنْكُ ﴿ فَفَقَارُ مَى دَهَــُد كَمَــَامِونَىٰ ﴿ لتكل داده كه عما قسريب راه آهن الماليك ربكي از شمال و قفقاز به جنوب المناز مكند

الله عنه مواحل بعض أسود وأه الله من المعنى كشبده أي شودكه از سأت جنو بي الله منعل به راه آهن عثماني ها تهيه دفتر براي استشار المديه

از طرف وزارت فاخله به أداره بلدیه نوشته شد که دفتر مخصوصی در آناداره برای مستشار بلدیه نما نبد که کلبه , الهايمات وعمليات مستشار واجع به بالديه طهران در آن دفتر ثبت شود و نبز دفتری ور وزارت داخله لهبه خواهد شد که طرز التكبلات وكلبه العورات بلديه هاى ولایات را که مستشار اقدام می ناید در رُآن وفَتْر ثَبِتْ نَمَا يَدُ

ازطوف كيائي راه آهن طهران باداره بلديه شكارت كردة اند كه الله قسمت مهمی از دیوار درب اندرون

همها هور هم فطت و خدمت آنها نمود

یکی از دهات ساحل دریا بزده (ویکتوار) ر

مَن تَقُوْكَارُ حَبِطَ كُرُدُهُامُ أُولُ إِنَّكُمْ بِهِ ﴿ دُوبِرِكُ ﴾ [

دشمتنی خود را ظاهر کردم و او را از مناسد

خویش آکاه ساختم و دوم اینکه اثبا ثبه کران

بهای اورا از دست دادم جای در د د نست که

ووزى اين اتاته پر قبت را مجددا اسرف خواهم

بكرد الما يك خيزى كه ببشتر از همه الهمبت دارد

یاز ابندن حکم قتل (ثبلبر) و (وکرای)

بود که بتا بحر دستور و کهل مجلس حتما پایس لها

اشغال کرده بودند بعلاوه هر کشی فهمبده بود

راوین به یك مطلب دیكر هم زیاد اهمیت مسی،

المنت كه هنت روز ببشتر وقت ندا ريم و پس

مستعاد و آن المعرف خانه کوجه (شا لو بریان)

شاهی خراب شده و برای عبودو مرور واکونها آسباب زحمت شده و بدرای مسافرين هم فوق العاده خطرناك است

لمنذا خواهشمند است که مهندسین آن ادا م سبد کی کرده اکر خزاب شدنی است بتبه اوراهم خراب کنند و اکر الخطر ندارند به کمیانی اطلاع دهند که واکونها از آن نقطه عبور و مرور

ال طرف اداره بلديه بوزارت فوايد عامه نوشته شد که با انقاضای کمیـا نو مناعدت لازمه ناموده والقدام مقتضى بعمل آورند

تحقق مر ض حصبه

در اعقب راپورلی که از سرحد آذربایجان راجع به شبوع مرض حصبه ز خال روس بایران رسید ، یود از طرف وزارت خارجه بسفارت مراجعه كرديد

که لزوما در آن جا از طرف دولت ایران قرانطبنه برقرار شود سفارت روس جوابااشعار مبدارد که در این حصوص اطلاعی سفارت نرسمده و سفارت پس از كسباطلاع از سرحد مجامدا بوزارت خارجه جواب خواهد داد . شیر و خو رشید سر خ

و خطاهنامه شهر و خورشید سرخ که بمناعی آقای امبر، اعلم رئیس مجلش مروز قبل از ظهر بتوسط معزی آلبه ا کردید -نظر اءلبحضرت هما يوني والاحضرت اقدس ولايت عهد خواهد رسيد كه از طرف والاحضرتولايتعهد دعوت براي السبس مجمع شبر و خورشبد سرخ به

عمل آيد تشكيا صلوا از وزارت عدابه بوزارت واخله اطلاع مي دهند كه محكمه ساحبه كدره خونسار از اول خمل نتكهل خواهد

كمسيون معاولين المروز كذشته حلمة كمسبون معاونين در وزارت داخله التكبل شد موادي راجع باستخدام اجزاء جديد و مرخصي

خصوصی را نمی شنا سم و رسمیت ور ابن دعوى نمى دهم طرف من فقط آ واى ، وأبق ادارسك اجراء مدعي عموم است الله . در هفته كذشته سيادين جاسه كسيسبون

ا آقای مدعی عمومی 🗝 با وجود دخاك مدعى خصوصي در محاكمه بايد إطبيق ماده ٣٨٧ اصول امعا كمات جيزائي كه احاله به ماده ۲۳۱ وانون زبور أنموده ودستور لماد ۲۳۱ دستور محاکمه را باین نحو داد، که بعد از انتتاح خلسه عرمنحال مدعى خصوصي قرا ألتو ساير الحقبقات لأزمهو مدافعا لي که باید متهم و طرف دعوی از ادعای ددعی خصوصی نمو ده شما بد سس ددعی العمام ادعاى خود را نمودم و اظهار عقيده خواهد نمود با اين بيان مادامي

محكمه بمدعى علمه سي دفعاعمات خردان را در ایل دعوی اقامه شده لازم است بنما تهدت ج شخصى مدعى عليه ت راجع باسناد سرفت شده رای اعضی کممبون احقبق كه در در بار منعقد شد ، به مؤثر ، در ارزائت که از دعوای خصوصی مدافعا نی ندد انظام الملك نبست زيرا حكم به براثت مجالی برای ببان دعوی نبست از مختصات میجا کم قانونی است ـ و محکمه مدعی علیه . _ حوال فسديق كمسبون ديسرقت اسناد دابل قطعي خطار محکمهرا بدهبد که نسبت بجر. الهام انتظام الملك أست و مطابق ماده دعآئبه مقريد بإخبر ۲۱ از فصل دوم نظامهٔ مه داخلی وزارت مدعني علمه _ منكر نبتم أمور خارجة حفظ الديظار او نوشنجاني و کول دادعی خصوصی - اشیث كه مخصوصا زرير بكابينه رنجوغ المكند و حفظ دوسبه و ارفعجات محرمانه ليا مُوقَعَى كَهُ افتاء أَنْ مَطَالَ مُعَتَمَى نباشد

المحكمة بالمدعى علمه شادر مؤذوع

و کیل مدعی علیه ــ دعوا آی که

أوجه آقى انتظام الملك است وايشان

أرائت خود را در ببشكاه محاكم انبات

انموده ان خمارت حق الوكاله دراين

دعری جه عوان دارد و الفاضای سابق

خود را نجدید مینمایم سی

دعوى القامه شد. دفاعمات خود كان را

انبار كمرك بادكو به أو قبف بؤده مطابق العرفه كمر كي كلبه يتول إكسها أزلو قباف اعیعلبه به ماده از اسول میحا کمات حِزا أبه بي مورد است خه اكر بموجب اصول محا كمات جزا ثبه ، منضرر مالي محافظت آن ها با تأبينه است و در ماده سدعى خصوصى معرفي شده باشد اين ٧٤ كاملا قبد مبكسنه كه مدقو لبت ر ثبس معنی فانی مدعی خصوصی بو دن شر فی كالبهنه وزارت امور خارجه نا حجه اندازه نبات بنا بر این اثت که قانبون است و در مطالب معروضه اکر مدعی مطبوعات هم اهقب اشخاصي را كه به حفظ الصحه از نحت طبع خارج شده منه مبلت منصفين لتكبل و دروع بمجاكمه اشرافت. و حبثهات افراد حمله مي كند عرو دی و داعی خصوصی معتر فند که د لبل دیکری لازم برای اثبات این موضوع بمدعى خصوصي داده و نسبت بضرر و المست و ا كر ولكر ندر بايد آ داي مدعى ... موضوع دعوی همك شرف از زیان ما ای هم دایل دیوی تموت اقدام عموم امل المضبه را لحت الحقيب در آور ند آقای انتظام 4لملك و نسبت سرقت بنده در اعقب این امر و احقبق الدیه مبا لفی برای مخارج محاکمه ومشارف و معلوم نمایند استادی زار که کممبون فقدان ، آينها را لصديق نمو ده كه بو ده ا نو نبه -معمو له مي باشد و چه شده است - من یکنفو نابرانی محكمه بمدعى عليه _ اظهارو كيل

هستم که بوطن خود علاقه مندم و بیا مدعى خصوصي را استماع ندو ديد ه دَيدن بك حنبن فعنهه كه رد وادو تجرايد دفاعني داريه إظهار كنبد خارجه منتدر شده او بعد بایران رساد مدعىءابه _ و كبل من آۋا مبرز انتظام الملك والنظر بمسةو لبتي كه در عبنتي خان سلطاني ارت و ﴿ إِنَّا مُعَكَّمُهُ حریان امردات آن وقت داشتهد [ر آبش مفر فی می کیم كا يهنه بوده] دسةول مستقب اين حوم اظهار وكل مدعى عامه ــ مدع خصوصی که منطبق یا ماده ۹ امول مُجًّا كمات خِرَا أَيُّ نَشُودٌ مَدْعَى خَصُومِي صور أي كه كميا ني هند أوو يا باير أن مبدهد در حدود ۲۷ مزار أو مان ورل اين المكرا فات المحسوب نبات موضوع دعموى الدعي

مدعى عموم بعضى از قدمت ها مرا العتبب نفر مو دنه مهل دارم انسبت ابهر خصوصی حبیت و مجوزی برای ورود اجراء مستخدم برطبيق قانون استخدام الجهار قدمت معاكمه شود و برطبق الواسعاكمة نهيت دراين فيمت لفاضاي ا بمه و الصويب شد كه برياست وزراء الماده 4 أصول معاكمات خزائي الدعي المخود را الجديد مي نمايد الما

> که (مبشل بو مون) اسم ساختکی لوین است شابد "بَعْضَى از استاد اوهم "بلدست بلبس أنتأده

المن كمنه (دو برك) هم العظه المعظه دروى شدت لی کرد و هروقت که کلمات امسیخن ۲ مبراو وا بیماد ساورد . آرزومی نمود کهروزی اور آ دُستگهرساخته ٔ بندست جلاف بدهد ، پیش پیش برای او مجازات لعبين، مَي كرد مَمَني كفتاول بايستياورا بهشهرايه بسته شاکق و آفری دِ بزنم جابعه پشتش را با تنبله های درخ داغ کنم ، بعد از آن او را روی المخته خار دار تبخوابانم من مختصر (دو برك) را برای هر کونه زخری شراوار می شمرد وعاقبت لصمهم كرفتكاورا دربك اطاق بسهار كرتني انداخته حبمه نفررا باموركندنا اوراقطعه قطعه كانتداءه

خاطر جمع شد در دل کفت حالا دیکر بین من و (﴿ وَ وَ رَاكُ ﴾ ما نَعَى نَبِتَ وَ او هُمْ مَنْ بَعَدُ هُمِجٍ آسبینی به (مرژی) نمبتواند وارد آورد ولی

هُ رُوزُ بِعِدُ أَرْظُهُمْ ﴿ كُرُنْبِارُدُ ﴾ وَ ﴿ إِيَّالِ لُو ﴾ ﴿ و دو برك ، را نا مجلس و بهر كجا كه مبرقت

و قتبكه از طرف مادام و مرزى ، و يدرش

پس قبل از همه جبر لوین بایستی کار های عود را شر و ضو رت دهد و تعد بايز اقدامات

دُنْبِالُ مِي ﴿ كُرُّهِ نَدُ وَمَا نُورَ بُودُنَدَ كُمْ حَرَّ وَقَتْ مَوْقَمَ مساعه ديدند اورادر الومبلي أنداخته بهمهلي ﴿ او بِن البِمْرُونَ مُورَ بَاغِ بِرُو كُي رَا كَهُ از آبادي دور يود برای سېانت دشمن خودمعېن توده و نام آنجا را د قاس مېمون ، کداشته بود ، پ بديختانه ودوبرك عصمشخودرا أزعطردوو مَنَ كُرُدُ كَاهِنَي سُوارَ مُولُو سُهُكَاتُ مَنَ تُلَّهُ وَكَاهِي

الرافواي بمجلس مهرفت بنا بر ابن رفقای او پن

بدستگیری او نائل نمی شدند و مهمون بقنس داخل نمی کر دید آلو بَنَ بَالْأَخْرُمُ نَمَّتُهُ دَيْكُونَ كَتَهِدُ ، يَكُنَّى أَزَّ همدستان خود را که بابا د بریند بوا ، نام داشت . در (مارسی) مېزيست بپاريس خوا شت . اين شخص سا بقاعطارو فعلاسباست حيى و وكبل اراش بود و در حوزه انتخابی (ُدو برك سكنا داشت ٔ کے بل مجاس ہم وخو ہی او را می ثناخت و خملی

بنا بر دستور او پن بایا (بریند بوا) از (دو برك)

وقت ملاقات خواست و كبل هم يا كمال مبل و وَ أَوَا ۚ يُوْرِيْنُ فَتُمْ أَوْ قُرْ أَرْشَكَ كُمْ أُدُو ۗ هَفَنُهُ ۚ ۗ أَ لِبِهِ بِهَا فَتَنْخَارَ که او بن در آخار ج شهر معین کرده بو دبرساند ! او وابه-، ای بدهد . سَبُّاسَتَ حِي يَا بِرْ امْنَ لُو بِنَ أَذَ (دو بُرك) قاضا کرد که این و اېمه دریك رستور ان کوچکی كهدرساحل جب رودسن واقع بود ، داده شود ،

و المراكب أين شوقت است بوس بعو عيب

با دُوَلَتُ مُحْدُوبُ شِدْمُ وَ الْأَنْ هُمُ اكُو

و به محاسبات وزار الخاجة رجوع شو د کا. 🕊

محقق مبشوه كه مطابق قبمت مذكوره المكراف

(دو برك) هم اين عاضا را پذير نت آرزی او بن هم همین بو دجو نکه کلیه اعضاء این رُستُورَانَ أَرْ هَمَدُستَأَنَ خَوْدِشَ بُودِنِدَ . درهمبن اثنا روز دوشنبه همان هفته محاكمه

(ثبابر) و (و که زای) شروع شد . ﴿ شُوحُ أَيْنَ مُحَاكِمُهُ وَرَبِّارِينَ وَرَدٌّ زَّبِّانَهَا آلِتُ همه کس مبداند که حکونه محکمه در محکوم نمو دن (ژبلبر) کوشش مبکر د از وضعبت آین مُحا كمه او بن بحو بي قدرتو نفو د "(دو برك) را در عمال مُحكمه حس كرد ،

و خُعبت مقصر بن بکلی مختلف نود (و که رای ﴾ بارنکی پریده و قامتی ختبگه به کلبهجنایت ها أي كهاز اول عمر مر كب شده بود اقرار كرد. دارد

روی زمین افتا دِه بو د تدو سایرین نوانا ئی

برداشتن آنهارا بنداشتند . امروز از

طرف قوای انظیس مقداری دواجات و

پتو وغیره برای آن ها را ارسال شذ 🖫

و ضعبات اسلا مبول خبلی سخت است

شهر هر خطر آمراض مدریه مهما شد

در هر مفته سد ها دجار آن مبشو ند

موجو د نهست وعده این ناکرا فات مفقو د شده 🛴 ۱۹۹۳ فقراء است مسألول آن رائبس كابهله است آفای انتظام المك دو سال معاون وزارتخارجه می باشند در صور لی که خودشان مدأول نهدنند و دیکری است در مدت دو سال واندی جرا قضمه را العقب نكردند واكرايشان آدم درستي و حافظ اسناد دوات بو دندجر ادر المام طول إبن مدت بمقامات لازمه اظهار نكردند ك لا اقل از طرف مدعى عموم العقب كردد وأبن بك قسمت از جهار قشمت اموری بود که در روزنامه خود عرض كرده امجون وقت كشته بود لقاضاى الجديد وقت شد براى شنبه ۲۹ شهر جارى سه ساعت بعد از ظهر لعين وقت كرديد و خلاصه میما کمه درج شده است ،

احارواول

السليم شدن - رد ار اصرات از قراد را پورنی که از آدر بایجان يدولت وسهده است ببوك خان سردار نصرت پینر ترخیم خان حامیا نلو که فعلا و ئېس ايل چلىما نلواست نسلېم دو ات شده و اظهار خدمتگذاری بدولت را نموده است و عما قربب اسلحه خود را نسلم

امبر لشكر شمال خواهد نمود

ت قتل زن حا مله

بموجب راپورنی که از نهاوند به وزارت داخله رسيده يك لفر سوار امنيه كه أز إهل دهات ملاير است عبال خود را كه حامله بوده با كلوله مقتول نموده است . قائل دستكبر و در ادار مظمه استنطاق شد و در استنطاق اعتراف به قتل نمو ده و اظهار داشته است که أز غبال خود سوء ظن داشتم پس از استنطاق حون مستخديم امنبه بودارطرف نظميه باداره قشونى لحويل دادهشد

الماز طرف وزارت داخله بحكومت عراق امر شد که قائل را مادوسیه به همدان بفرستندكه درعد المدرآن جا نحقبقات الازمه شدم قائل را مجازات نمايند

🐇 ؛ فو ت مقنی 💮

اززنجان بوزارت داخلهرا بورت می دهند كه قاسم نام در خانه متين الملك مَفَتُش مَالَبُهُ مَشْغُولُ حَفْرٌ جَاهُ بُودِهُ غفلتا حاء فرو رفته و قاسم خفه شده متين الملك بإداره ألم منات اطلاع داده حنازه اوراپس از معاینه نماینده عدلمه و أرْ تُبِس المهنات و دكتر ضحبه دفن

ازد و خو رد اشر از تراکمه ۱۰۰۰

ب و جبرا پور لی که از کرد محله بوزارت [داخله رسهد، است جمعی از اشرار آرا كمة در اطراف قرية ايلوار و حهارده آمده بو دند که غارت کنند الفاقا جند نفر سوأر مسلح با آن هــا نصادف نمو ده مشغول زدو خوردمي شو ند دُرُ نَتْبِجِهِ بِكُ نَفْرُ عَبَّاسَ نَامِ الْبِلُو ارَى مُقْتُولُ وَ اشرا ر مراجعت می نمایند

مرخصها حكومت

انزالی ــ ماژور سادقینمان حـــاکم نظامی انزای برای یکماهه مرخصی به طهران دیروز از انزای حرکت نمودند امورات حكومتي راقلعه بكي انزلي اداره

أحصن رمايا

قوچان ــ امنېت برقرار سطوت لملك ديروز عصر طازم مشهد شد جمع کشهری از رعایای جعفر آباد و حدری وغبره بتلكرا فخانه آمده متحمن شدندو عرايض خودرا للكرافا بمقام ايالت لقديم

√ورود و حرکت

دامغان ــ كانل منترهـى إمريكائي مستتأرو رئبس مالبهخراسان إمرووزسبح وارد از طرف حکومت ورؤسای دوایر دولتی از ایشان ملاقات بعمل آمد و دو ساعت قدل از ظهر قصد حرکت بدمت شاهرود نمو ده اند سیسی

شهایت محصلین

ساری نے عصر شاکردان مدارس ماداره الكرافيغانه آمده خطابه مفصلى قرائت و از نعطبل معلمین شکایت داشتند آنها را متقاعد و روانه نمو دند ار زانی نان

محلات _ بحمد الله از دبشب متدرجا الى صبح باران رحمت باريد حكومت هم سه چهار روز است نان را یك من شاه يك عماسي ارزان نمو ده وحالبه يك من شاه دو هزار و سه عباسی مبفروشند الله المرافع وحشت المرافع المرافع

🦠 قم 🗀 خون این اوقات بارند کی بتاخبر افتاده بود وببابان خبلي خشك و آب رود خانه هـــم کم شهره بود زارعين متوحش بؤدند أمروز قريب دؤ ساعت باران مارید و اسیاب امید و اری و خوشوقتني مامه اهالي كردياه

احارجاره اصلح با عدانی استان استان

اسلا مبول ـ در روقعی که در مجلس ملی آنقره پېشنهاد رای اعدماد بهبأت دوات داده مي شد پېش نهاد دیکری بامضای ۱۵۰ نفر از نمایند کان القديم كرديد مشعر بر اينكه درصور لبكه استقلال كامل عدما ني از خبت ما ثليه مالبه و اقتصادی و اداری کاملا نامین شود دوات الخواهد لوانست معاهده را امضا أنمايد ولي بالأخره ببش أنهادى نصویب شد که بدولت اجازه می داد که مذاکرات را برروی زمینه های دیل لعقب نمايد :

اولا الغاى كاپى نولاسبون 🗝 📑 الما العويق حل قضاياي اقتصادي و مالی و هم چنان قصبه موصل ثالثا استرداد قره آغاج . را بعما قبولي ساير الهوا دي كه أما يندكان ابرك ببشنها د كرده اند

خاميا مطالبه غرامات از دولت

عدما ني _ پېشنهادات متقا بلهعنما ني بُوسُهِلُمه او تم يُبك الملهم كمهشر هماى عالى متنقين در إسلامبول شد . مراسله منضمه "پېشنها دات متقابله مشعر "بود که عثماني صميمانه مايل بانعقاد صلح مبياشد در ببشنها دات مذ کور بعضی اهدیلات در طرح معاهده لوزان خاطر نشان شدءو اغل آنها باروح آخرین مدا کرات لوزان موافقت دارد ،

(ب•ب)

أحيه رو هرا

پاریس ـ وزارت جنك اصدیق می امسا ید که فسرا نسوی هسا ديروزهشت شهر ذيل را پتاز كي ملصرف شدند ارادرفا اانت سويهن فورت _ رشه ازين برك _ كما قراج _ تمان وارالسافتن وبدين طريق منطقه انكلبسى را بکلی با منطقه غیر متصرفی آلمان مقطوع ساختند [ر]

پاریش ـ رئیس الوزرای فرانمه دز عبدسا لبأنه صاحب منصبان (شاسور آلين) اظهار داشت كافتل ساحيمهسب فرانسوى درروهر شديدا موردمجازات واقع خواهد شد .

آلمان _ رئبس قشون اشغالبه با زبان جراید (دوسلد رف) اظهار کرده است که اوضاع (دوهر) بحال طبیعی پیش می رود و از آتبه اطمينان كامل دارد ، اللخره رضايت خود را از عده قلبل حدوا دث غبر مترقبه اعلام داشته است

امریکا - جراید امریکا که با بن حوصلكي انتظار نطق شدر اعظم آلمان رًا داشتند اعلام مي كنند كه نطق مذکور همیج چین الزه ای ندارد ا الاستفارة المراجعة (أب و **ب** أ).

ا کر چه نروحا نبون (روهر) امر شده است مردم وا الحريك بمقااومت كنند ــ كرجه حركات مراجعين باعث نكراني أجتماعبون شده معدلك بنظر مي آيد كه افكار رو به آرامی می رود

از (فرانـکمفورت) اطلاع می دهند که او حش در آن جا حكم فرما است و بانك ها مثغول حمل اسنادو وجوه خود بهداخله آلمان مي

﴿ * أَنْ ٧ ﴿ وَنُوالَ كُنْسَتَانَ الْهِنُو و اوس) فر ما ثلاه سابق آن که با دو نفر دیکرروز (۲) مارش در مقابل محاکمات عَسَكُرِي "أَ لِهَامَ مَمَالِحَ كُرُونَ اشْيَخَاصَ كُشُورِي ا برای پیش آوردن یك جنك نژادی محاكمه شده " بو دند حا لمه مستخلص شده اند بعنوان اینکه نقصبر آن ها سباسی بوده است و بمناسبت عفو عمو می ایشان هم خُرُو سايرين معفو شده اند الله [ر]

💮 هلبنكمفرس 🗕 للكراف واصل از مُمَاكُو جُمِنَينَ مُشْعِرُ است كُمْ داج أَمَا يَنْدُهُ كمبائى استاندار إيل وارد مسكو شده است نا در خصوص اصلاح اوضاع نفط روسيه با فمايندكان دولت مشار البها مذا کرانی بعمل آورد [ر] The state of the s

ر. اسلامبول ۷ نــوخههاتشهراسلامبول بواسطه كثرت العداد مهاجرين كه از اناطولی و سایر نقاط وارد اسلامبول شده و منتلی بامراض سخت و آبله و

املال

غبره كرديده بدون ملبوس وغذا مبباشند

خبلى رقت انكبزشدهو ژنرال هارينكتن

در موقعی که رژیمان قشون اسکس را

که پیامت هندوستان حر آت مبکردنسد

مشايعت مهنمود ابن وضعبات اسف آور

را مشاهده نمود اغلب این : ببهجار کاناز

طایفه نسوان هستند و ابطوری فلاکت

زده هستند که ۱۵ نفر آنان مزده و بر

بوطین های مردانه زرد امریکائی اعلا بقیمت مناصب بفروش می رسد طالبین در سرای امر نمره ۲۰ نجار لخانه متحده وجوع فرمایند نمره اعلان عني المناهي اعلانات]

خبابان قوام السلطنه نرسيده بخانه قوام السلطنه در منزل سرهنك كبيكوم خان صاحب منصب اداره قشونی از همه قبیل قالی و قالبجه و میزودولایچه و الخت خواب و آینه اوالت از همه قبهل اجناس دیکر درساعت بك بعد از ظهر ينجشنيه ٧٧ ﴿ حِمْعُه ٢٨ شهر حال الي غروب درخانه فوق خراج استطالبين به خانه مزبور حاضر شوقد

نمره اعلان ۱۰ (شرکت شاهنشاهی اعلانات كريلائبي حسين سمسار

کیانی اتومبیل را نی فیات کیانی از این اتومبیل را نی فیات

كاراژ فبات با كمال أحترام بمسافرين خضرت معصومه بشارت مبدهد كه برای راحتی منافرین الومبیل های بسیار شریع الشیر خاضر تموده و طالسین مبتوا نند بدوا الومبهل را ملاحظه نمایند

معل فروش بلبط: بازار لسمجه حاجى محمد اسمعبل لجارت خانه إيطالي و د خود کاراژ فبات کے کاری است میں اور در خود کاراژ فبات کے انہوں اعلان ۸۸

وا اراده عاشق الماد الما نمایش یاشکوه - ایرت ماای ﴿ بَمَنْفُعَتُ الْمُحَادِيهِ مُركَنِّي كُوكُوانَ طَهُوَّانِ ﴾

لبله ينجشنيه ٧٤ حوت (١٣٠١ أحت مديريت عبدالله زاده و باشتراك أكتر و آ کتریدهای ماهن ـ بمعرض نمایش کذارده مبشود برای برای مساعدت بمعارف کار کران در خریداری بلبط بشتا ببد نمره اعلان ٤٧ . و شرك شاهنشاهي إعلانات

بق س لنكن الماني الماني

	•						
لبره	شلبنك	پنش	المروا	شلبنك	ب ن	المنتكى المناكية المناكبة المناكبة	
7 W	1	9	7			سهام با نك شاهنشا هی ه قرضه ۱۹۱۱ دولت ابران ه متعارفی كمپانی نفت جنوب ه متعارفی جدید د	

بو رس باریس	بورس طهرال
اندن	غريد
٠-٠٨٠٠ الله	لندن مکتوبی ۹۰–۹۰ ۲۰۰۱ ، المکرا فی ۱۰–۵۱ ۲۰ ۱۰
اسانی سویس ۲۰۷–۲۰۷	پاریس سویس ۲۱۰
نقره لندن	نو يو رك ٧٥ - ١٠ - ١٠ رو پېه بمبتی ۲٤٠ ۲٤٤

مطبعه بی سفون